

عنوان	صورت سؤال و جواب بین جناب انیس و یکی از علمای شیخیه تبریز
صاحب اثر	میرزا محمد علی زنوزی - جناب انیس
مأخذ این نسخه	کتاب ظهور الحق جلد ۳ صفحه ۲۸-۳۳ (۱۶۵ بدیع)
سایر مأخذ	
محل نزول	
سال نزول	
مخاطب	

سؤال - از سید باب دعاوی مختلفه و اظهار مقامات متفاوته بصحت پیوسته شما بکدام یک از آنها اعتقاد کرده‌اید

جواب - حضرت ایشان در سنه ۱۲۶۰ مبعوث شدند در حالیکه اغلب انام محتجب بانواع حجب بودند و حکمت آلهیه اقتضا داشت که بتدریج ناس را بدرجات عرفان ترقی دهند و بمصداق ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ که سنت الله در ایام ظهور هر یک از نقاط مشیت بوده در ابتدای امر بنام باب و عبد بقیة الله خود را معروف فرمودند که علی زعم القوم ایشانرا مبعوث از امام غائب محمد بن الحسن تصور کردند و لطیفه غیبیه در خلف هیکل منیر خودش پنهان بود و فی الحقیقه باب و عبد من یظهره الله اند که بعدا در آثارشان خصوصا در کتاب مستطاب بیان و آثار اخیره شان واضح و عیان گردید و چون عند العموم مشهور بقدس و تقوی و دیانت و امانت بودند جمعی از صلحاء اتقیا مخصوصا از شیخیه بایشان گرویدند و آن حضرت بطریقه شیخ احسائی و سید رشتی رسائل متعدده مرقوم فرمودند و در آنها مستحبات را بجای واجبات و مکروهات را بجای محرمات مقرر داشتند مثل اینکه در سجده

نماز چهار مهر تربت سید الشهداء را برای کفین و وجه و انف لازم دانستند و زیارت عاشورا را واجب شمردند و ادعیه و تعقیبات مفصله معین نمودند و وجوب نماز جمعه را اعلان کردند و در صحیفه اعتقادات موسوم بعدلیه در باب معرفه الله و معرفه الابواب و معرفه المعانی و معرفه الامام و معرفه الارکان و معرفه النقباء و معرفه النجباء و اعدادهم و اوصافهم شرحی نگاشتند و آیات خود را تحت کلمات ائمه و فوق کلمات شیخ و سید قرار دادند و هیاکل و احراز و طلسمات کما قرر عند القوم ترتیب دادند و خود را مفسر و مبین و مروج قرآن و اسلام اعلان کردند و تفسیر بر سوره مبارکه یوسف و بقره و کوثر و العصر و ألم نشرح و فاتحه الكتاب و غیرها نوشتند و جمیع اصحاب آن حضرت در اصول و فروع اسلام بغایت احتیاط عمل میکردند و آن حضرت را باب علم آلهی و افضل از شیخ و سید میشناختند و حکم مذکوره آن حضرت سبب شد که امرشان در ایران و عراق عرب مرتفع گردید و حتی در اصفهان نزدیک بود عموم اهالی منقلب شوند ولی فقها و رؤساء ملت چون دیدند دعویشان بابت و برهانشان آیات و احکامشان طاعات و عبادات است از عاقبت امر ایشان و مآل حال خود ترسیدند و بفکر علاج کار افتادند عاقبت بمضامین برخی از آیاتشان که ذکر رجعت شده بود دست

آویز کرده اتهامات و افتراءات منفوره ساخته سدّ سیل روحانی و جلوگیری از انوار معنویه خواستند ولی آن حضرت بنوع حکمت مذکوره بنفس دعوی و اظهار آیات مردم را ترقیات فوق العاده دادند چه که قبل از آن زمان افکار و اذکار عامه حصر در مسائل و رسائل فقهاء و راجع بنجاست و طهارت و کیفیت آداب تطهیر و تنجیس و تکفیر و شکیات در رکعات و سهویات در سجدهات و امثالها بود و آن امور تغییر یافته افکار مؤمنین حصر در دلائل توحید و شواهد نبوت و علامات امامت و معرفت نقباء و نجباء و شرح و بسط معارف روحیه دینیه و فهم آیات و کلمات مقدسه آلهیه گردید و این اول درجه بود که بخفض مرتبه خود و رفع درجه شرع ناس را از محل سکون و وقوف حرکت دادند بعد از آن خویش را بقلب ذکر الله ملقب ساختند ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ و ﴿إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ﴾ ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ و مرتبه بابیت مخصوص اول من آمن جناب ملا حسین بشرویه شد و پس از چندی اظهار قائمیت فرمودند و مقام ذکریت تحت الشعاع واقع گردید و همچنین ذکر ربوبیت نمودند این است که در حدیث مشهور فرمودند قائم مثل یوسف در تقیه است چنانکه یوسف مقام خود را اظهار نمی نمود حضرت نقطه هم

مقام خویش و بعضی مطالب را اظهار نمی فرمودند خود را باب خواندند یعنی باب مدینه من یظهره الله و ذکر گفتند برای حضرت مذکور و قائم فرمودند برای حضرت قیوم و رب فرمودند برای مقام الوهیت پس معلوم است که مقام شامخ ایشان و سائر نقاط مشیت از قبل و از بعد تغییر و تبدیلی ننموده و نمینماید و تفاوت بیان نظر بمصالح و حکم زمان میباشد ﴿لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ﴾ ﴿وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ﴾

سؤال - دعاوی و مقامات مذکوره سید باب و تفسیر و تأویلی که برای اخبار وارده در شأن موعود منتظر و شئون و علائم ماثوره نمود اگر مورد قبول جماعت کثیره از علماء و فضلا و صلحا شد چندان استبعادی ندارد که در ایمان بمقام ربوبیتش هست

جواب - صدور این نوع سؤالات و اعتراضات از جمع ظاهر بین قشرین چندان استبعاد ندارد که از شما جماعت شیخیه دارد شما را برای اعتقاد بمقامات عالیه فوق نبوت در شأن ائمه اطهار از غلات خوانده‌اند و مسیحیین و فرقه علی الهیه از مسلمین و فرق اخری از متصوفه و غیرهم را

خارج از دین شمرده اند ولی بشارات مندرجه در آیات متکثره از قرآن که راجع بیوم المیعاد است از قبیل یوم یاتی ربک و غیره نص عظیم بلقاء رب کریم میرسند که اعظم مظهر مشیت الهیه میباشد و مقامات شامخه که در اخبار و آثار ائمه در شأن موعود منتظر در کتاب و سیر مسطور است کاملاً مبین و موضح مقصود میباشد و اینک علماء راشدین و صالحین مؤمنین که بلقاء حضرت رسیدند و با عین فؤاد جلوه رب را مشاهده نمودند مصداق ﴿لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ﴾ گردیدند

سؤال - آنچه بحد شیوع رسیده این است که تحدی سید آیات و کلماتش میباشد و حال آنکه تمایز کلماتش از کلمات سائر علماء معلوم نشده و دیگر آنکه همه مردم ذوق و عرفان فهم و تمیز کلمات و آیات را ندارند و حجت بایست کافیه و عامه باشد و اما سائر انبیاء و اولیاء معجزات و خوارق عادات و کرامات بسیار بمردم نشان دادند

جواب - حضرت حجّة بالغه را آیات و کلمات قرار دادند و سائر امور را طائف حول آن شمردند چنانچه این مسئله منصوص کثیری از آیات قرآن

میباشد و مضمون ﴿أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ﴾ در مواضع بسیار مذکور است و شئون متنوعه کلمات الهامیه حضرت از خطب و مناجات و مسائل تفسیریه و علمیه و تعالیم و احکام که همه بدع و غیر معروف میباشد کما و کیفاً بحد اعجاز و در اعلی درجه بلاغت و کمالیت از حیث لفظ و معنی است و بی اعمال فکر و رویه و بدون سکون قلم متسلسلاً از فطرت آلهیه نازل گردید و هرگز در کلمه از بیانات خود قلم نبرده اصلاح ننموده اند و شخص مطلع محقق منصف هرگز مسائل مصطلحه قبلیه را با معارف بدعیه آلهیه ایشان موازنه ننماید و اما خوارق عادات بقدری از ایشان دیده شده که احدی از دوست و دشمن منکر نتواند شد و اغلب افراد این طائفه کرامات عدیده مشاهده نموده اند و اشخاص اغیار نیز که مدتی در خدمتشان بودند ملاحظه کرده اند و مقداری ازین امور در الواح و آثارشان مسطور است و بسیاری از مؤمنین در آغاز نظر محبت نداشتند و بصدد تحقیق امر نیز نبودند و فقط برای مشاهده کرامات اقبال کردند و اموری که در ارومیه واقع شده و نیز تعهد شفای پای شاه مبرور در مجلس ولی عهدی ما بین اهالی تبریز و عامه اهالی آذربایجانیان شایع است فی الحقیقه در شئون این امر عظیم نقص و ناتمامی نیست دیگر راه اعتذار و مفری برای احدی نمانده و

چنانچه امروز که متجاوز از هزار سال از زمان حضرت پیغمبر و ائمه والا گهر گذشته و چون در آن طول مدت تفاسیر کثیر و تجلیل و توقیر نسبت بکلماتشان که در بدو ظهور بسی ساده و خالی از اهمیت در نظر عامه بود نوشته شده و غالباً اعقاب و اخلاف پدرانیه که در یوم صاحب کلمات استهزاء میکردند و قیام بر قتل و قلع و قمع نمودند بنصرت قیام کردند عظمت و حقیقت کلمات و صاحب آن در انظار مسلمین بحد بداهت رسیده بیاید اعصاری که اعقاب و اخلاف معایدین این عصر نیز بنصرت امر بدیع پردازند و هزاران کتب در تفسیر و تجلیل آیات جدیده نشر یابد و آن هنگام برای امثال شما طریق ایمان روشن و مستغنی از دلیل و برهان گردد

سؤال - من کتاب بیان را ندیدم ملی آنچه از موثقین شنیدم مشتمل بر مسائلی است که موجب اعتراض جمعی کثیر شده اولاً مسئله رجعت میباشد آیا شخص عاقل منصف ملا محمد حسین بن ملا عبد الله صباغ بشرویه را عین حضرت پیغمبر آخر الزمان داند مگر صرف اشتراک اسم موجب میگردد که ملا علی بسطامی همان حضرت امیر المومنین باشد زین حسن تا آن حسن فرقی است ژرف معجزات باهرات سبحانیه و آیات تامات قرآنی و ذو

الفقار شاهرولی الهی لازم است تا باینمقام نائل شوند و گیرم حاجی میرزا آغاسی را که بعقیده جمعی عارف صمدانی بود ظهور دجال گرفتید آیا شخص عالم ربّانی حاجی محمد کریم خان کرمانی را که صاحب تألیفات کثیره در غالب علوم اسلامی است چگونه ظهور سفیانی توان گرفت و قرّة العین بموجب اجازه سیّد تمام احکام و مراسم سابقه را عملاً لغو نمود و احکام عجیبه غیر قابل عمل در بیان است فی المثل مجالست و معاشرت با غیر بیانی را نهی کرده و حق مالکیت مال را از غیر بیانی سلب نمود و ازدواج با غیر بیانی را حرام ساخته و حق سکونت در قطعات خمسّه یعنی فارس عراق آذربایجان خراسان مازندران را از غیر بیانی سلب نموده تدریس و تعلم همه علوم غیر کتب بیانیه خصوصاً منطق و کلام را منع کرده و حکم محو کتب داده و شرب دوا را بر مرضی ناروا خوانده و اعجب این است که خود در موارد سختی از ادعا تبری جسته اوراقی در تبری و انکار بدست مردم

داد

جواب - اگر شما بتوانید لمحّه با عینک چشم معاندین و محتجبین صدر اسلام که حضرت محمد و علیّ و اهل بیتشان را العیاذ بالله جاهل و یا سفیه

و مجنون و یا مفتری علی الله و خارج از دین میدانستند بنگرید هر آینه بمرحله عدم تعصب و مقام انصاف قدم گذاشته ملتفت میشوید که جناب ملا محمد حسین و ملا علی در مقام انشراح صدر و اشتعال بنار موقده الهیه و تجلی الهامات غیبیه و مکارم اخلاق رحمانیه و شجاعت ایمانیه و بدنیه نادر النظر بودند و مخصوصا آیات و آثار جناب ملا محمد حسین نزد اهل اطلاع معروف و مشهور است و چنانچه معاندین و مقاتلین با محمد و علی و اهل بیت در عصر اول مقام آن بزرگواران را ندانستند و وارد نمودند آنچه خواستند ولی اعقاب و اخلافشان در ظل شجره ایمان در آمدند درین عصر نیز چنین شد و خواهد شد و چنانچه امثال ابو سفیان و نضر بن الحارث و هشام ابو جهل و ولید بن مغیره از معاریف اعداء عصر سابق که صاحب علم و عرفان و دیانت در نزد قوم بشمار بودند چون امر اسلام ارتفاع یافته بخزی و خدلان معروف و مشهور شده دجال عصر و رایت کفر و ضلال دور گردیدند البته روزی خواهد آمد که دجال و سفیانی این عصر را نیز جز ببدی و زشتی یاد نمایند و اما احکام شدیدیه بیان امری نیست که بن سابقه باشد بلکه در سائر ادیان نیز چنین بود و نظیر همین احکام صادر شد و امروز فیما بین امم مجری مطاع میباشد ولی از آنجائیکه هرامتی خود را نیک و کامل دانسته

سائرین را بد و ناقص شمرده اجراء احکام شدید مذکوره در حق دیگران روا دارند و چون نوبت بخودشان رسد فریاد و فغان بر آرند و ناله و زاری نمایند نیک ملاحظه کنید احکام حضرت موسی راجع بملل و ادیان معاصر خود و نیز احکام اشلام راجع بملل و ادیان زمانش بر همین منوال بود در زمان موسی امر الهی بر هدم و حرق بیوت و عمران ممالک منکرین و حیوانات و اشجار و قتل ذکور و اناث و صغار و کبارشان صادر شد مگر احکام اسلام در باب ملل و ادیان معاصر که از آنجمله طریقت قوم و عشیرت خود آن حضرت بود بغیر این طریق اجرا یافت و این معلوم است که هر یک از آن ملل و اقوام و ادیان خویش را محق و مقرب عند آله خود میدانستند و این احکام را ظلم صرف میشمردند و محاربات و معاملات مسلمین با سائر ملل از اهل کتاب و غیرهم ثبت در قران و اخبار و تواریخ و آثار والی الیوم ظاهر و آشکار است و مگر نه این است که بظهور اسلام علوم شایعه نزد ملل قبل منها علم التفأل و التطیر و احکام النجوم و غیرها محو و زائل گردید و أمّا أئمه - سلام الله علیهم - تمامت آیات و احکام مذکوره را تأویل بباطن نموده در حق مخالفین خود از نواصب و غیرهم بیان فرمودند و موعده اجراء آنرا یوم ظهور موعود منتظر قرار دادند چنانچه در اخبار کثیره متظافره اعمال شدید او

را در حق مخالفین و معاندین بیان نمودند از آن جمله است **(لا یتنب**
أحدًا ولا یقبل الجزیه و لیس أمره إلا القتل و أمثالها) و فی الحقیقه تمامت
احکام مذکوره در نصوص اخبار ائمه راجع بکیفیت اعمال آن حضرت
مسطور است و برمتبع در اخبار و آثار امامیه و واقف بمشرب ائمه مخفی و
پوشیده نیست و ارواح منکرین و معاندین نقطه مشیت در ادوار و اعصار یکی
است که رجعت نموده در جلوه مقتضای زمان نمایان میشوند لا نفرّق بین
أحد من الرسل و الأولیاء و لا نفرّق بین أحد من المخالفین و الأعداء و أمّا
خطوط و مرقوماتی که از آن حضرت شیوع یافته هم استبعادی ندارد چه
اسلاف بزرگوار آنحضرت بحکم تقیه شفاها یا کتبا یا عملا چنین معامله
میفرمودند و اوصاف و اعمال معاندین ظالمین عصر او را خبر داده یکی از
بزرگترین علائم آن بزرگوار را خوف و تقیه قرار دادند